

# کاوشی بر مقایسه نگرش به حجاب دختران دوره متوسطه و دانشجویان دختر دانشگاه‌های ایران<sup>۱</sup>

ابراهیم فتحی<sup>۲</sup>

## چکیده

یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع دینی به‌ویژه جامعه اسلامی ایران، داشتن حجاب مناسب دختران در اماکن و مجامع عمومی است. عدم گرایش مثبت دختران به حجاب منطبق با هنجارهای دینی، از مسائل امروزی جوامع اسلامی محسوب می‌شود. ابراز علاقه مثبت و منفی دختران به پدیده حجاب حاصل تهنسست کنش‌های مشترک خانواده، اجتماعات محلی و رسانه‌ها است. معمولاً در تغییرات نگرش به حجاب، ابتدا گرایش‌های مخاطبان دچار تغییر و تحول می‌شود؛ به همین منظور در این مقاله میزان گرایش‌های دختران دبیرستانی و کارشناسی به‌عنوان هدف این مقاله با استفاده از روش پیمایش مورد کنکاش قرار گرفته است. نمونه کشوری این مقاله و پژوهش با استفاده از روش کوکران و با روش نمونه‌گیری طبقه و با رعایت سایر چارچوب‌های نمونه‌گیری ۱۲۰۰ نفر در کل کشور متناسب با جمعیت هر استان انتخاب شد. ۲۷ درصد دختران در حال تحصیل دوره کارشناسی و ۳۶/۴ درصد دختران دبیرستانی در حال تحصیل در کل کشور استفاده از حجاب اسلامی در اماکن عمومی را لازم می‌دانند. دختران دبیرستانی حدود ۹ درصد بیش از دخترانی کارشناسی به پوشش حجاب در اماکن عمومی اعتقاد دارند. این میزان در کشوری ایران اسلامی زنگ خطر است. در مجموع بیش از دوسوم دختران اعتقاد به پوشش حجاب در اماکن عمومی ندارند.

**واژه‌های کلیدی:** حجاب، نگرش به پوشش اسلامی، دختران متوسطه، دختران کارشناسی.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

۲. استادیار، دانشگاه صدا و سیما، دانشکده ارتباطات، ایران؛ e.fathi25@gmail.com

## مقدمه

حجاب در جامعه اسلامی به‌عنوان یک هنجار اجتماعی، عرفی و اخلاقی مطرح است که در گذر زمان شاهد تغییراتی در خود دیده است. همه جوامع درگذر زمان مستلزم تغییرات بافت جمعیتی و این تغییرات جمعیتی نیز، تغییرات اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد. تغییرات اجتماعی و فرهنگی تحولاتی الگوهای ارزشی و هنجارهای رفتاری فردی و اجتماعی فراهم می‌سازد. حجاب نیز به‌عنوان یک الگوی هنجاری تنظیم‌کننده پوشش در روابط زنان و مردان، از این تحولات برکنار نمانده است. حجاب یا همان پوشش یک نوع رفتار برای مدیریت بدن است. انسان در مواجهه و ارتباط با دیگران بر اساس فرهنگ و عرف آن جامعه برای خویش الزامات و محدودیت‌هایی قرار می‌دهد. حجاب یک نوع ابزار ظاهری است که کارکرد باطنی و درونی دارد. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، همین بعد درونی و باطنی و ذهنی است. از سوی دیگر حجاب دو بُعد ایجابی و سلبی دارد. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام‌بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو کارکرد از آیه ۵۹ سوره احزاب استنباط می‌شود که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلرَّوَّاجِلِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است».

ابراز علاقه مثبت و منفی فرد به پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی حاصل ته‌نشست کنش‌های مشترک خانواده، اجتماعات محلی و رسانه‌ها است. در این فرایند شخص یک تمایل، حالت آمادگی و روانی برای پذیرش و عدم پذیرش پدیده فرهنگی پیدا می‌کند که در اصطلاح جامعه‌شناسی به آن نگرش اطلاق می‌شود. بر این اساس محصول مستقیم و غیرمستقیم تجارب گذشته و سازمان‌یافته سه ضلع «خانواده»، «اجتماعات محلی» و «رسانه‌ها» است. حجاب به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، اجتماعی و شرعی یکی از این محصولات جهان اجتماعی زنان می‌باشد. نگرش به آن در زیست جهان زنان شکل می‌گیرد.

نحوه پوشش اعضای جامعه یکی از عناصر اصلی قوام‌بخش و منتقل‌کننده فرهنگ جامعه است. به همین منظور حاکمان به اشکال مختلفی در مسئله حجاب به‌عنوان یکی از مسائل عمومی جامعه مداخله می‌کنند؛ زیرا که مسئله اساسی چگونگی نهادینه‌سازی حجاب در جامعه است. معمولاً نهاد خانواده، نهاد آموزش و رسانه‌ها در نهادینه‌سازی و نگرش دختران به حجاب نقش اساسی ایفا می‌کنند.

نوع پوشش اشخاص یکی از ابزارهای قضاوت‌های اجتماعی درباره آنهاست. اجرای دستورهای دینی بیشترین تأثیر در شکل‌گیری پوشش هنجارمند زنان جامعه دارند. پُر واضح است اگر دستورات دینی نتواند انتظارات و هنجارهای اجتماعی و دینی پوشش زنان را در جامعه برآورده سازد، علاوه بر جریحه‌دارکردن وجدان عمومی، به کم‌رنگ‌شدن نظام ارزشی و سرایت آسیب به بدنه آن و در



نتیجه سست شدن ریشه باورهای اجتماعی این نظام منجر خواهد شد. از سوی دیگر ارزش‌ها و سلايق خانواده، جامعه و رسانه‌ها در حفظ و يا تغيير الگوی پوشش زنان جامعه نباید مورد غفلت قرار گیرد. به بیان دیگر پوشش انسان نشانه اجتماع اوست؛ این امر همانند دیگر جنبه‌های اجتماعی انسان بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و انتظارات جمعی شکل می‌گیرد (شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

میل به پاکی و کسب ارزش‌های انسانی امری فطری است. بر همین مبنای هر انسانی دوست دارد در دوران حیات، زندگی با عزت و عظمت داشته باشد. بدون شك، حجاب یکی از عواملی است که شخصیت انسان، به‌ویژه زن را تضمین می‌کند و میل به آن ریشه در فطرت دارد و برای تأمین سلامت فرد و جامعه، از اهمیت زیادی برخوردار است.

حجاب به‌عنوان یک پوشش، یکی از عناصر اساسی و محوری جامعه اسلامی به شمار می‌رود. دخترانی که در این جامعه تربیت می‌یابند به میزان زیادی در رشد و شکوفایی واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر انسانی سهم دارند. زمانی که روزی به‌عنوان مادر مقتدر و مبتکر توانا در اجتماع ظاهر می‌شوند و مسئولیت‌های سنگین و خطیری را بر عهده می‌گیرند، نظام و کانون گرم خانواده تربیت‌گاه نخستین آنهاست؛ نظر به اینکه نهاد خانواده به‌عنوان نخستین آموزشگاه و نهاد تربیتی و والدین به‌عنوان اولین معلمان فرزندان در نهاد خانواده می‌بایست آموزش لازم را در زمینه تربیت و تزکیه و القای اعتمادبه‌نفس را به فرزندان بیاموزند تا از همان آغاز ارتباط با کودکان و نوجوانان در جهت حفظ حرمت و مقام و منزلت فرزندان دختر نمایند (اسماعیلی، ۱۳۷۴: ۱۱). بن‌مایه‌های نگرش در همین آموزشگاه و مدرسه خانوادگی شکل می‌گیرد. این آموزشگاه در کنار نهادهای مذهبی، مدارس و آموزشگاه‌های رسمی غیررسمی همانند رسانه‌های دیداری و شنیداری در شکل‌گیری نگرش دختران به حجاب نقش فعال و مؤثر دارند. دختران پس از سپری کردن دوران اوایل کودکی به نهاد آموزشی دیگری به نام مدرسه و اولین نهاد رسمی قدم می‌گذارند. دیدگاه‌های مختلف شکل‌گرفته در نهاد خانواده در محیط آموزشی برون خانوادگی درباره گفتمان حجاب برخورد می‌کنند. در صورتی که بن‌مایه خانوادگی نگرش به حجاب دوام و قوام لازم را داشته باشد در شکل‌گیری گفتمان حجاب خانه مدرسه نظر خود را غالب می‌نماید و به اصطلاح زمینه هژمونی و مارپیچ سکوت اقلیت درباره نگرش به گفتمان حجاب خانه مدرسه را فراهم می‌کند. در این مقطع جامعه‌پذیری حجاب شکل می‌گیرد؛ زیرا که هر نوع فعالیت انسانی مستمر در بین جمع پس از مدتی عادت آن جامعه می‌گردد. هر عمل تکرارشونده و بازتولیدشونده پس از گذر زمان به‌صورت الگو پذیرفته می‌شود و همان الزام به تکرار، عادت شده و در آینده به‌عنوان امور عادی در زیست جهان فرد ذخیره و به‌وسیله او بدیهي و مسلم فرض می‌گردد.

حال دختران بعد از سپری کردن دوره آموزشی مدرسه وارد یک نهاد آموزشی دیگر می‌شوند که قیودات دوره گذشته را ندارند و از آزادی عمل بیشتری برخوردارند، این دو عنصر زمینه پذیرش فرهنگ



و گفتمان جدید دربارهٔ حجاب بسیار مؤثر است. از سوی دیگر در این نهاد آموزشی عده‌ای دانسته یا نادانسته زمینه ایجاد گفتمان همبستگی معناداری بین روشنفکری و برهنگی در بین دختران به‌ویژه در بین دختران جدیدالورود را فراهم می‌کنند. در این فاز، اندوختهٔ مربوط به نگرش گفتمان حجاب نهاده خانواده و مدرسه نقش اساسی در پذیرش و عدم پذیرش گفتمان جدید دربارهٔ حجاب را بازی می‌نماید.

با توجه به مسئله ذکرشده لازم است پژوهشی به‌صورت پانلی از یک نمونه مکفی از دختران دورهٔ متوسطه اخذ شود و نگرش آنان به حجاب سنجیده و پس از ورود به دانشگاه مجدداً نگرش آنان به حجاب مورد ارزیاب قرار گیرد تا اینکه تفاوت‌های این دو نهاد آموزشی در ارائه الگوی حجاب روشن شود. اما چنین پژوهشی هزینه‌بر بوده و در مقام عمل امکان‌پذیر نیست. در این پژوهش در یک‌زمان دو نمونه متفاوت جامع ملی، یک نمونهٔ جامع و کامل از دختران دورهٔ دبیرستان‌های ایران و یک نمونه جامع و کامل از دختران دورهٔ لیسانس دانشگاه‌های مختلف کشور برای مقایسه نگرش آنان به حجاب اخذ شده و برای بررسی هدف «مقایسه نگرش دختران دورهٔ دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های ایران» و برای پاسخ به سؤال اصلی «میزان تفاوت نگرش دختران دبیرستانی و دانشگاهی ایران چقدر است؟» با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

#### الف. پیشینه، مفهوم‌شناسی و روش پژوهش

پیش از ورود به بحث اصلی به پیشینهٔ پژوهش و مقایسهٔ وجه تمایز آنها با مقاله حاضر و همچنین مفهوم‌شناسی واژه «حجاب» و به‌کارگیری آن در قرآن کریم و سپس به روش پژوهش پرداخته می‌شود.

##### ۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ مسئله حجاب مقالات بسیاری نوشته شده است؛ اما در محدودهٔ مطالعاتی مقایسهٔ نگرش دختران مدارس و دختران دانشگاه‌ها مقاله یا پژوهشی به رشتهٔ تحریر نیامده است. مقالات یا پژوهش‌های چاپ‌شده مربوط به حجاب در سه گروه اساسی دسته‌بندی می‌شود؛ برخی پژوهش‌ها دربارهٔ عوامل مؤثر بر حجاب و نگرش به حجاب نوشته شده‌اند؛ دستهٔ دوم به میزان نگرش به حجاب یا پایبندی به حجاب هستند و دستهٔ دیگر به رابطه حجاب با یک سری مفاهیم و عناصر دیگر پرداخته‌اند. با این حال در این بخش به مقالاتی که ارتباط نزدیک با این موضوع دارند در ادامه به ترتیب تاریخ چاپ و انتشار آنها جهت تنویر و تفتیح موضوع به‌طور خلاصه آورده می‌شود.

مریم اسدی و همکارانش در مقاله «بررسی رابطه ابعاد عزت نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور اهواز در سال ۱۳۹۷» که به‌صورت روش پیمایش انجام گرفته میزان کلی رابطه عزت نفس با نگرش به حجاب در بین جامعه آماری حدود ۰/۴۹ نشان می‌دهد. بدین معنی با افزایش ابعاد عزت نفس، نگرش مثبت به حجاب افزایش می‌یابد. این آمار در بین



دانشجویان متأهل بیش از دانشجویان مجرد به چشم می‌خورد. در یک کلام حس ارزشمندی و عزت نفس سلامت روحی و روانی دختران را از لحاظ حجاب تقویت می‌کند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۷).

صدیق اورعی و همکارانش در مقاله «نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب در سال ۱۳۹۷» با روش کیفی و ابزار تکنیک مصاحبه عمیق به دو نوع تیپ‌بندی اساسی حجاب «رعایت حجاب شرعی» و «نگرش و موضع درباره حجاب شرعی» در بین زنان مشهد پرداخته است. در بخش حجاب رعایت حجاب شرعی به پنج نوع تیپ‌بندی همانند چادری کم حجاب، ماتتوی کم حجاب، کم‌حجابی یا بی‌حجابی سر، بی‌حجابی سر با میزان از بی‌حجابی تن و بی‌حجابی سر و تن تقسیم شده است. تیپ نگرش و موضع درباره حجاب شرعی در داخل خود چهار نوع خورده تیپ‌بندی حجاب کم‌اهمیت، حجاب بی‌اهمیت و ضدیت باحجاب تقسیم شده است (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۷).

عبدالله معتمدی در مقاله «تحلیل آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب دختران در مراحل مختلف تحول (از کودکی تا جوانی) در سال ۱۳۹۷» با روش اسنادی و تقریباً فرا تحلیل به پنج نکته اساسی درباره آموزش و تغییر رفتار اشاره دارد:

۱. آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب در دختران نیازمند اقدام در سال‌های اولیه است؛
۲. ابتدایی‌ترین روش یادگیری حجاب، روش یادگیری مشاهده‌ای و مبتنی بر وجود رفتار الگوی مؤثر در پیرامون کودک است؛
۳. با تحول جسمی و شناختی کودک نباید از نقش عوامل بیرونی دیگر غافل شد؛
۴. بروز نگاه‌ها و رفتار انتقادی در دختران نباید با واکنش‌های غیرمنطقی روبه‌رو شود؛
۵. تکیه بر اینکه رعایت حجاب یک دستور الهی است، ضمن آنکه در مراحل سنی گوناگون قابل توصیه بوده و، نیازمند تقویت بنیان‌های فکری دختران در حوزه مباحث خداشناسی است (معتمدی، ۱۳۹۷).

نصرت‌الله نعمتی فر و محمدمهدی صفورایی پاریزی در مقاله «بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام)» با روش پیمایش به رابطه میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و میزان دین‌داری بر اساس مدل استارک و گلارک پرداخته است. از طریق آمارهای توصیفی و استنباطی رابطه معکوس میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان رضایت و میزان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی باحجاب و پوشش کاربران نشان داده است. اما میزان ابعاد دین‌داری (بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد پیامدی، بعد شناختی و بعد احساسی) با میزان رعایت حجاب و پوشش کاربران دارای رابطه مستقیم و مثبت بوده است. همچنین از طریق روش آماری تحلیل مسیر بین متغیرهای میزان دین‌داری و میزان



رعایت حجاب و پوشش کاربران رابطه نسبتاً قوی وجود دارد. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ابعاد اعتقادی و مناسکی متغیر دین‌داری، میزان اعتماد به شبکه‌های اجتماعی، میزان رضایت از شبکه‌های اجتماعی و بعد پیامدی مربوط به متغیر دین‌داری به ترتیب دارای بیشترین رابطه با میزان گرایش به حجاب و پوشش کاربران دارد (نعمتی فر و صفوریایی پاریزی، ۱۳۹۸).

علیرضا دهقان‌پور و لیلا اوشلی در مقاله خود تحت عنوان «حکمت حجاب در اسلام» با روش اسنادی به انواع حجاب و حکمت‌های آن پرداخته است. از حجاب به‌عنوان مفهوم پرکاربرد و پر معنی در جوامع اسلامی یاد کرده که در جای خود در منش و روش زندگی بشر تأثیر ویژه دارد. این مقاله به این نکته اشاره دارد که در قرآن از حجاب به‌عنوان یک ضرورت یاد شده و به گوشه‌هایی از حکمت و کارکرد آن می‌پردازد. در پایان به انواع حجاب به‌عنوان یک فرهنگ، همانند «حجاب پوششی»، «حجاب رفتاری»، «حجاب دیداری»، «حجاب گفتاری و شنیداری» و... اشاره دارد. برای حجاب مانند «حفظ ارزش والای زن»، «میل فطری»، «آرامش روانی»، «سلامت اجتماعی»، «حفظ ارزش زن»، «منع هویت‌جویی کاذب»، «تحکیم خانواده»، «کنترل خودآرایی»، «تعديل شهوت‌رانی»، «کنترل مدگرایی»، «اصلاح تحسین‌خواهی» به‌عنوان حکمت برشمرده‌اند (دهقان‌پور و اوشلی، ۱۳۹۹).

در مجموع، هیچ‌کدام از این مقالات به مقایسه نگرش دو گروه دختران دوره دبیرستان و دانشجویان نپرداخته‌اند. دختران از ۱۲ تا ۱۸ سالگی که صفات ثانویه جنسی بروز می‌یابد، گرایش به جنس مخالف، پیامد عاطفی این تغییرات جسمی است (Shaffer, Kipp, 2013 به نقل از عبدالله معتمدی ۱۳۹۷). علاوه بر آن خود دختران در این دوره سنی به اندام و زیبایی‌های خود توجه ویژه‌ای دارند که از یک سو ممکن است از نظر آنان حجاب مانع این جلوه‌نمایی زیبایی‌ها آنان شود و از سوی دیگر رعایت حجاب در این سن می‌تواند با برخی ویژگی‌های نوجوانان در تعارض قرار گیرد و سبب تردیدهایی در باورهای قبلی او شود. این دو زمینه با مدیریت عالمانه و عامدانه خانواده‌ها هدایت نشوند، حجاب دختران با چالش روبه‌رو می‌شود؛ اما هدایت آگاهانه والدین می‌تواند تسهیل‌گر و استحکام‌بخش رفتار محجوبانه دختران منجر شود. این دوره دختران، مقدمه‌ای برای ساخت دنیای جدید بر اساس اندیشه‌های خود آنان است. وقتی که دختران نوجوان احساس کنند که نوع پوشش خود را بر اساس یک تحلیل و شناخت انتخاب کرده‌اند، نسبت به زمانی که احساس کنند که حجاب آنان ناشی از القای والدین است و خود دلیلی برای آن ندارند، در حفظ و استمرار آن متفاوت عمل خواهد کرد (معتمدی، ۱۳۹۷). آقایان طیبی‌نیا و احمدی در یک مطالعه با نمونه ۱۰۶۹ نفری در مناطق نوزده‌گانه شهر همدان در بین دانش‌آموزان اول، دوم و سوم و رشته‌های مختلف تحصیلی علوم انسانی، تجربی، ریاضی و فیزیک و کاردانش دختران در یک مدل تحلیل مسیر رابطه همبستگی بین «میزان آگاهی»، «میزان باور» و «میزان التزام عملی به حجاب» با «میزان رعایت حجاب» از سوی دختران را به ترتیب ۶۵.۰، ۷۱.۰ و ۸۰.۰



نشان داده‌اند (طیبنیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۶۱). این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد بخش اعظم میزان رعایت حجاب از سوی دختران در دوران مدرسه شکل می‌گیرد و به‌عنوان دانش حجاب در دختران نهادینه می‌شود.

با این حال، تمایل به خودنمایی در دوره نوجوانی باید از سوی والدین به رسمیت شناخته شود و در قالب برنامه‌ای خردمندانه باید هدایت شود. در این راستا، تغییر نوع نگرش نوجوان به هستی از طریق تقویت مباحث خدانشناسی، مهم‌ترین محور قابل توجه است. علاوه بر اینها، فراهم کردن فرصت‌ها برای بروز خودنمایی برای دختران نوجوان در جمع سایر دختران و محارم نیز می‌تواند تا حدی مناسب باشد (معمدی، ۱۳۹۷).

«دختران ۱۸ تا ۲۴ ساله، دوره تحصیلی متوسطه به پایان رسانده‌اند. اغلب آنان وارد دانشگاه‌های کشور می‌شوند. فضای دانشگاه‌ها از همه لحاظ بسیار متفاوت از فضای دبیرستان‌ها است. دختران در فضای دانشگاه‌ها از آزادی بیشتری برخوردارند. کنترل والدین تقریباً به صفر می‌رسد. دانشجویان دانشگاه‌ها برخلاف دانش‌آموزان دبیرستانی از یک شهر، یا یک محل، یا یک فرهنگ معین نیستند؛ بلکه از شهرها و قومیت‌های مختلف در دانشگاه با یکدیگر آشنا می‌شوند. احساس استقلال پس از ورود به دانشگاه، رویاروشدن با الگوهای گوناگونی از پوشش و آرایش و نیز دوستی‌های جدید دختران با یکدیگر بار دیگر ممکن است نحوه پوشش دختران را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این موارد، جو کلی دانشگاه‌ها شامل اختلاط دختران و پسران، نوع نگاه اساتید به موضوعات اعتقادی و حجاب، محتوای دروس دانشگاه‌ها به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی که همراه با دیدگاه‌های سکولار و فمینیستی است، از دیگر عواملی است که بنیادهای فکری دختران را برای حفظ حجابشان متزلزل می‌کند» (معمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

## ۲. مفهوم‌شناسی «حجاب» در کاربست قرآن

واژه «حجاب» در قرآن کریم: «اعراف: ۴۶»، «اسراء: ۴۵»، «مریم: ۱۷»، «احزاب: ۳۵»، «ص: ۳۲»، «فصلت: ۵»، «شوری: ۵۱» و «مطففین: ۱۵» بیشتر به معنی‌های حقیقی و مجازی «پرده»، «حاجز»، «مانع» و «حائل» استعمال شده است. علامه طباطبایی درباره هشت آیه فوق در المیزان به ترتیب می‌فرماید:

(۱) منظور از حجاب در آیه ۴۶ سوره اعراف: «وَيَبِيْهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ...» ساتری است که بین دو چیز حائل شود و «اعراف» به معنای قسمت‌های بالای حجاب و تله‌ای شنی و «عرفی» به معنی یال اسب و تاج‌خروس و قسمت بالای هر چیزی است معلوم می‌شود که این کلمه به هر معنا که استعمال شود معنای علو و بلندی در آن است. مراد از «اعراف» قسمت بالای حجابی است که حائل بین دوزخ و بهشت است (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۱۶۹/۸) در این آیه حجاب همان اعراف است، همان مکان مرتفعی که میان دو گروه بهشتیان و دوزخیان کشیده می‌شود.



۲) آیه ۴۵ سوره اسراء: ﴿وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾ در این آیه، حجاب با وصف «مستورا» آمده که به معنای حجابی است که به چشم نمی آید به خلاف سایر حجاب‌های معمولی که با آن چیزی را از چیزی دیگر پنهان می کنند. معلوم می شود که این حجاب، حجاب معنوی است که خداوند میان رسول خدا ﷺ از این جهت که خواننده قرآن و حامل آن است و مشرکین که ایمان به روز جزا ندارند افکنده و او را از ایشان پنهان می نموده و در نتیجه نمی توانستند حقیقت آنچه از معرف قرآن نزد وی است بفهمند و بدان ایمان آورند (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۱۹۱/۱۳). منظور از حجاب در این آیه، پرده لجاجت، تعصب، غرور و جهل و نادانی است که حقایق قرآن را از دیدگاه فکر و عقل آنها پنهان می داشت و به آنها اجازه نمی داد حقایق روشنی همچون توحید و معاد و صدق دعوت پیامبر ﷺ را درک کنند.

۳) منظور از حجاب در آیه ۱۷ سوره مریم: ﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ به معنای هر چیزی است که چیزی را از غیر بپوشاند و از این کلمه چنین بر می آید که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشیده داشت تا قلبش برای اعتکاف و عبادت فارغ تر باشد (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۴۹/۱۴). پس خداوند در مقابل قوم او پرده‌هایی انداخت و سپس روح خود را به سوی او فرستاد که به صورت انسانی بی عیب و نقص در مقابلش قرار گیرد. بنابراین، منظور از حجاب در این آیه، پوشش و پرده نامرئی و مجازی بوده است.

۴) آیه ۵۳ سوره احزاب: ﴿وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید». در اینجا منظور از حجاب، پوشش زنان نیست؛ بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر ﷺ بوده است. ضمیر «هن» به همسران رسول خدا ﷺ بر می گردد و درخواست متاع از ایشان، کنایه است از اینکه مردم با ایشان درباره حوائجی که دارند سؤال کنند و معنایش این است که اگر به خاطر حاجتی که برایتان پیش آمده، ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی کنید، از پس پرده باشد؛ «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» این جمله مصلحت حکم مزبور را بیان می کند و می فرماید: برای اینکه وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت کنید، دل‌هایتان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه، دل‌هایتان پاک تر نگه داشته می شود (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۵۲۸/۱۶).

۵) آیه ۳۲ سوره ص: ﴿حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ «تا آنکه از دیدگانش پنهان شدند». در داستان حضرت سلیمان نبی خداوند غروب خورشید را پشت پرده واقع شدن توصیف می کند و برای آن واژه حجاب را می آورد. حضرت از شدت علاقه به تماشای آنها از نماز اول وقت بازماند و خود را ملامت کرد و گفت من علاقه به اسبان را بر یاد خدا ترجیح دادم تا خورشید غروب کرد و یا اسبان از نظرم ناپدید شدند (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۳۲۰/۱۷).

۶) آیه ۵ سوره فصلت: ﴿وَ قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنِكَ حِجَابٌ





فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ» «می‌گویند دل‌هایمان درباره آنچه تو ما را به آن دعوت می‌کنی در پرده‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی است و بین ما و تو فاصله است تو کار خود را انجام بده، حتماً ما هم کار خود را انجام می‌دهیم. حجاب در این آیه به معنای پوشش است. البته پوشش‌های جهل و تعصب و لجاجت و عناد و تقلیدهای کورکورانه که باعث شده فاصله‌هایی مانند پرده‌ای ضخیم بین آنها و پیامبر به وجود آید (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۵۷۶/۱۷ و ۵۷۵).

(۷) آیه ۵۱ سوره شوری: «وَمَا مَكَانَ لَيْسَرَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (و برای هیچ بشری این چنین نخواهد بود که خدا با او تکلم کند مگر از طریق وحی یا از پس پرده). در این آیه من وراء حجاب یا از پشت حجاب حرف زدن یا مانند حرف زدن خداوند در کوه طور با حضرت موسی (علیه السلام) است و یا من وراء حجاب تعبیری از رویای صادقه است (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۱۱۵/۱۸).

(۸) آیه ۱۵ مطففین: «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» (این چنین نیست (که آنها می‌پندارند)، بلکه اینان در آن روز از پروردگارشان محجوب‌اند). مراد به محجوب‌بودن از پروردگارشان در روز قیامت، محروم‌شان از کرامت قرب و منزلت است و شاید منظور محجوب‌بودن از رحمت خداست همین باشد (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۵۶۱/۲۰).

در هشت آیه ذکر شده از کلمه «حجاب» چهار معنی کلی «اعراف، همان مکان مرتفع میان بهشتیان و دوزخیان»، «پوشش، همان پرده‌های لجاجت و تعصب و غرور و جهل و نادانی و عناد و تقلیدهای کورکورانه»، «پوشش، همان پرده نامرئی و مجازی» و «حکمی اضافه بر پوشش مخصوص همسران پیامبر (ص)» استنباط می‌شود. در مجموع حجاب به معنی حائل شدن بین دو چیز است که در ضمن آن یک مفهوم حفاظتی و نگه‌دارنده در آن نهفته است و علاوه بر آن برتری یکی از طرفین حائل نیز مدنظر است. از یک سو ماهیت حجاب یک امر فردی نیست؛ بلکه یک امر اجتماعی و فرهنگی است و از سوی دیگر حجاب در فقه مذاهب اسلامی و ادیان ابراهیمی به‌عنوان دستورالعمل زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

پس از ورود جریان نوگرایی به جهان اسلام مسئله حجاب با تنش‌هایی روبه‌رو شده‌اند. رابطه حجاب با مفهوم زن در جوامع مدرن، مسئله حقوق زن و جایگاه اجتماعی زنان و اخیراً مسئله جهانی شدن از مواردی است که مسئله حجاب را به‌عنوان یکی از مسائل مهم در عرصه دین و جامعه مطرح ساخته است (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی‌تا، ۴۴۲/۹).

در این مقاله گرایش به حجاب به‌عنوان یک مفهوم محافظ برای دختران در جوامع دارای حضور مردان در دو دوره متفاوت از لحاظ کنترل والدین در زیست جهان دختران نوجوان و جوان مدنظر است. در واقع حجاب یک نوع حائل قائل شدن فطری در درون زن برای پوشاندن برتری‌های خود (همان مظاهر زنانگی) از جنس مقابل است؛ به عبارت دیگر حجابی همان تمایل به پاک، عفت و حیای فطری برای پنهان داشتن جلوه‌های زنانه و یا پوشاندن برخی از نقاط بدن زنان در شریعت اسلامی است.

## ۳. روش پژوهش و جامعه هدف

روش تحقیق اساسی‌ترین مقوله پژوهش است. چنانچه روش متناسبی با موضوع پژوهش انتخاب شود، کار تحقیق سریع‌تر و مطمئن‌تر انجام می‌شود. مطالعه همه پدیده‌ها از محورهای همانند پدیداری، پنداری، ساختاری، رفتاری، استقراری، استمراری، مقداری و آثاری می‌گذرند. طبعاً هر یک از این رویکردها روشی مناسب با خود را طلب می‌کند. با توجه به موضوع و اهداف مقاله از روش پیمایش استفاده شده است. این روش برای گرفتن پاسخ از نمونه و تعمیم یافته‌ها در جامعه مناسب می‌باشد. جمعیت آماری دختران دوره دبیرستان آخر و دوره لیسانس در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس خطای سه درصد و احتمال نگرش ۵۰ درصد برابر هزار و صد و یازده نفر شد. جهت تأمین اُفت نمونه تعداد نمونه را به ۱۲۰۰ نفر رسانده شد. سپس بر اساس نسبت جمعیت زنان بر اساس آخرین سرشماری ایران (سال ۱۳۹۵) تعداد نمونه در استان‌ها توزیع شد. با اختصاص ۵۰ درصد نمونه در هر استان به دختران دوره متوسطه و ۵۰ درصد دیگر به دختران دوره لیسانس با رعایت چارچوب نمونه‌گیری، نمونه‌گیری انجام گردید (شرح کامل در جدول زیر آمده است). حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با ۳ درصد خطا و با احتمال ۰/۵ شرح زیر محاسبه شده است.

نام شهر	جمعیت زنان	نمونه پیشنهادی	نمونه اخذ شده
آذربایجان شرقی	۱۹۲۰۲۵۲	۵۸	۵۵
آذربایجان غربی	۱۶۰۶۹۰۰	۴۹	۴۹
اردبیل	۶۲۰۱۶۵	۱۹	۲۰
اصفهان	۲۵۲۱۳۷۳	۷۷	۷۵
البرز	۱۳۳۶۰۶۵	۴۱	۴۰
ایلام	۲۸۴۹۵۹	۹	۱۵
بوشهر	۵۴۳۶۷۸	۱۷	۲۰
تهران	۶۵۹۳۹۶۵	۲۰۱	۲۰۰
چهارمحال و بختیاری	۴۶۵۴۰۷	۱۴	۱۵
خراسان جنوبی	۳۷۸۹۸۱	۱۲	۱۵
خراسان رضوی	۳۱۸۹۳۱۶	۹۷	۹۵
خراسان شمالی	۴۲۹۴۵۹	۱۳	۱۵
خوزستان	۳۳۲۱۸۳۵	۷۱	۷۰
زنجان	۵۲۲۶۱۲	۱۶	۱۵
سمنان	۳۴۵۷۰۴	۱۱	۱۵
سیستان و بلوچستان	۱۳۷۳۰۸۳	۴۲	۴۰

نام شهر	جمعیت زنان	نمونه پیشنهادی	نمونه اخذ شده
فارس	۳۳۹۰۰۲۳	۷۳	۷۰
قزوین	۶۳۳۳۶۲	۱۹	۱۵
قم	۶۳۳۷۴۳	۱۹	۱۵
کردستان	۷۹۰۳۲۵	۲۴	۲۰
کرمان	۱۵۴۷۰۳۰	۴۷	۴۵
کرمانشاه	۹۶۴۴۱۹	۲۹	۲۵
کهرگیلویه و بویراحمد	۳۵۱۶۶۶	۱۱	۱۵
گلستان	۹۳۰۴۹۲	۲۸	۲۵
گیلان	۱۲۶۳۰۹۹	۳۸	۳۵
لرستان	۸۶۷۷۶۰	۲۶	۲۵
مازندران	۱۶۲۹۵۸۴	۵۰	۵۰
مرکزی	۷۰۳۷۲۴	۲۱	۲۲
هرمزگان	۸۶۹۶۰۱	۲۶	۲۵
همدان	۸۵۷۹۱۶	۲۶	۲۵
یزد	۵۵۲۵۲۰	۱۷	۱۵
کل	۳۹۴۳۷۸۲۸	۱۲۰۰	۱۲۰۰

### ۳-۱. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات یکی از پایه‌های اصلی پژوهش‌ها و مقالات کمی است. با کمک آن تمامی فعالیت‌های علمی کمی تا رسیدن به یک نتیجه مطلوب، کنترل و هدایت می‌شوند. اولین داده‌هایی که از مطالعات کمی به دست می‌آید، به صورت داده‌های خام نمایش داده می‌شود که هیچ معنی و مفهومی ندارند. برای تبدیل اعداد و ارقام خام و نامفهوم این مقاله به مفاهیم معنی‌دار از دو دسته پردازش اصلی به طور عمده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

### ۳-۲. سیمای پاسخگویان (جامعه هدف)

جامعه هدف از نظر نوع فعالیت، سن، وضعیت تأهل مورد نمونه‌گیری و آمار قرار گرفت که شرح آن در ادامه می‌آید.

#### - نوع فعالیت نمونه

از کل نمونه مورد مطالعه ۱/۴۴ درصد صرفاً دانش‌آموز و ۴/۳۵ درصد صرفاً دانشجوی بوده است. ۱/۲۰ درصد نمونه علاوه بر شغل دانش‌آموزی و دانشجویی دارند. ۵/۴ درصد خود را علاوه بر شغل دانش‌آموزی و دانشجویی «خانه‌دار»، ۹/۴ درصد «بیکار»، ۷/۲ درصد «شاغل دولتی» و ۴/۸ درصد «شاغل در مراکز غیردولتی» عنوان کرده‌اند (جدول ۱)



جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد فراوانی نوع فعالیت دانش‌آموزان و دانشجویان برحسب دوره تحصیلی

کل		دانشجو		متوسطه		دوره تحصیلی فعالیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۴,۱	۵۲۹	-	۰	۹۰,۹	۵۲۹	دانش‌آموز
۳۵,۴	۴۲۵	۶۸,۸	۴۲۵	-	۰	دانشجو
۴,۵	۵۴	۶,۰	۳۷	۲,۹	۱۷	خانه‌دار
۴,۹	۵۹	۶,۱	۳۸	۳,۶	۲۱	بیکار
۲,۷	۳۲	۵,۰	۳۱	۰,۲	۱	شاغل دولتی
۸,۴	۱۰۱	۱۴,۱	۸۷	۲,۴	۱۴	شاغل غیردولتی
۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۶۱۸	۱۰۰,۰	۵۸۲	کل

### - سن نمونه

۲/۹۵ درصد دانش‌آموزان نمونه بین ۱۵ تا ۱۸ و ۸/۴ درصد بین ۲۰ تا ۲۳ سال سن دارند. ۸/۴ درصد دانش‌آموز در سن ۲۰ تا ۲۳ نشان می‌دهد که در بین دانش‌آموزان این دوره تأخر علمی وجود دارد. ۳/۸۵ درصد دانشجویان کارشناسی در سن ۱۸ تا ۲۳ سال و ۷/۱۴ درصد در سن ۲۴ سال و بالاتر قرار دارند. ۷/۱۴ درصد نیز در این دوره تأخر علمی دارند. با کسر ۸/۴ درصد دوره متوسطه از ۷/۱۴ درصد دوره کارشناسی ۹/۹ درصد تأخر علمی به دوره کارشناسی دارد (جدول (۲)).

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد فراوانی سن دانش‌آموزان و دانشجویان برحسب دوره تحصیلی

کل		دانشجو		متوسطه		دوره تحصیلی سن (سال)
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱.۹	۱۰۹	-	-	۷.۱۸	۱۰۹	۱۵
۶.۹	۱۱۵	-	-	۸.۱۹	۱۱۵	۱۶
۸.۹	۱۱۸	-	-	۳.۲۰	۱۱۸	۱۷
۷.۱۶	۲۰۰	۶.۲	۱۶	۶.۳۱	۱۸۴	۱۸
۷	۸۴	۱.۹	۵۶	۸.۴	۲۸	۱۹
۸.۹	۱۱۸	۵.۱۷	۱۰۸	۷.۱	۱۰	۲۰
۱۱	۱۳۲	۲.۲۰	۱۲۵	۲.۱	۷	۲۱
۱۰	۱۲۰	۰.۱۸	۱۱۱	۵.۱	۹	۲۲
۴.۹	۱۱۳	۱۸	۱۱۱	۳.۰	۲	۲۳
۶.۷	۹۱	۷.۱۴	۹۱	-	-	۲۴
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۶۱۸	۱۰۰	۵۸۲	کل



**- وضعیت تأهل نمونه**

داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد ۸/۱۱ درصد دختران در حال تحصیل دوره متوسطه و کارشناسی ازدواج کرده‌اند. این درصد گویای تأخر ازدواج در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله دختران در حال تحصیل است. سرعت ازدواج نیز در این مدت به طور متوسط در سال بر مبنای سال ورود به دانشگاه ۸/۰ بوده است (جدول).

جدول (۳) توزیع فراوانی و درصد فراوانی وضعیت تأهل دانش آموزان و دانشجویان برحسب دوره تحصیلی

کل		دانشجو		متوسطه		دوره تحصیلی / وضعیت تأهل
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰,۸۸	۱۰۵۷	۸۱,۹	۵۰۶	۹۴,۷	۵۵۱	مجرد
۱۱,۸	۱۴۱	۱۸,۰	۱۱۱	۵,۲	۳۰	متأهل
۰,۲	۲	۰,۲	۱	۰,۲	۱	سایر
۱۰۰,۰	۱۲۰۰	۱۰۰,۰	۶۱۸	۱۰۰,۲	۵۸۲	کل

**ب. تحلیل داده‌های نگرش دختران به حجاب**

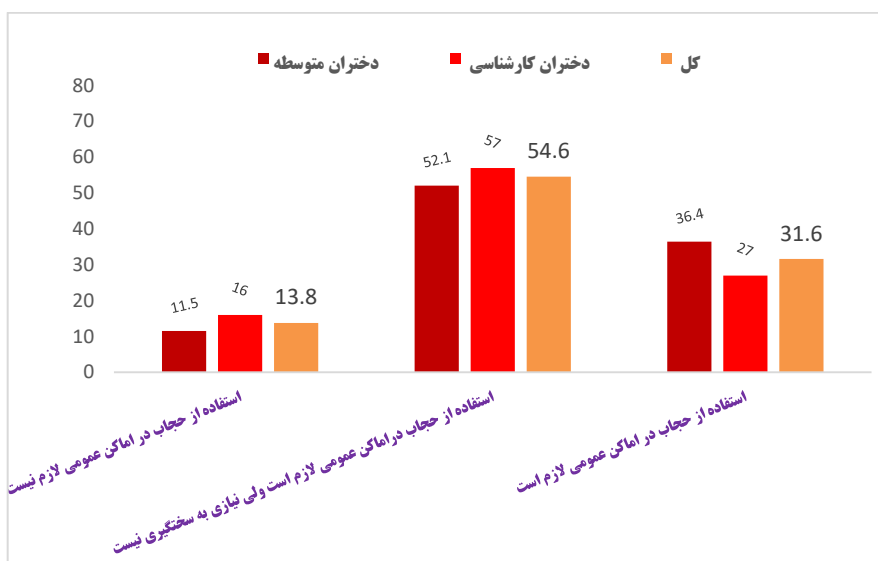
در این بخش به نگاه فعلی دختران در امکان عمومی و سپس به جایگاه فقهی حجاب در بین دختران و در نهایت به نگرش دختران به حجاب و مقایسه آن در دو دوره دبیرستان و کارشناسی بررسی و تحلیل می‌گردد.

**۱. نگاه فعلی دختران به حجاب در اماکن عمومی**

بر اساس آیه ۳۱ سوره نور ﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ رعایت حجاب و پوشاندن محل‌های زینتی همانند مو و سایر اعضای بدن به جز صورت و دو دست از دیدگاه فقها بر زنان واجب است. در یک سؤال نظر دختران دانش آموز دوره متوسطه و دختران دانشجوی کارشناسی درباره استفاده بانوان از حجاب در اماکن عمومی پرسیده شده است؟ در پاسخ به این سؤال ۸/۱۳ درصد دختران مورد مطالعه استفاده از حجاب در اماکن عمومی را لازم نمی‌دانند. ۶/۵۴ درصد آنان استفاده از حجاب در اماکن عمومی لازم می‌دانند ولی به دخالت دولت و سختگیری اعتقاد ندارند؛ به نوعی حجاب را مسئله شخصی و فردی قلمداد می‌نمایند. از یک سو تنها ۶/۳۱ درصد دختران داشتن حجاب در اماکن عمومی لازم و ضروری می‌دانند و به نوعی به حجاب اسلامی اعتقاد دارند و خواهان آرامش روانی بین افراد جامعه و خواهان لذت‌های جنسی در چارچوب و کادر خانواده و با ازدواج مشروع هستند. از سوی دیگر ۶/۳۱ درصد دختران به حجاب اسلامی اعتقاد و نظر مراجع عظام و قرآن را قبول دارند. اعتقاد به حجاب اسلامی در بین دختران متوسطه ۴/۳۶ درصد و

در بین دختران دانشجویی کارشناسی ۲۷ درصد بوده است. از مدرسه تا دانشگاه در عرض ۴ سال در دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران همین اعتقاد به حجاب در بین دختران ۴/۹ درصد کاهش یافته است و این کاهش با آزمون آماری «کای دو» و «وی کرامر» در سطح ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید است.

قابل ذکر است از ۶/۳۱ درصد دخترانی که اعتقاد به حجاب در اماکن عمومی دارند تنها ۸/۸ درصد آنان معتقدند دختران باید بدون آرایش در اماکن عمومی حضور پیدا کنند. ۲/۲۲ درصد معتقدند با آرایش ملایم و ۶/۰ درصد معتقدند با آرایش غلیظ در اماکن عمومی حضور پیدا کنند؛ این به‌نوعی همان خودنمایی دختران است که تقریباً به نظر ۴/۶۸ درصد که به‌نوعی معتقد بودند زنان در اماکن عمومی می‌توانند بدون رعایت حجاب اسلامی حضور پیدا کنند.



## ۲. جایگاه فقهی حجاب در بین دختران

حجاب به‌عنوان عامل و پوشش زن، برای اخفای محل زینت‌های زنان است و بر اساس آیه حجاب، پوشش شرعی بر زنان واجب شده است. طبق آیه حجاب زنان برای حفظ عفت و شرافت خود به‌جز صورت و دو دست، تمام اعضای بدن و مواضع زینت و زیور خود را از نگاه و رؤیت مردان نامحرم و زن بیگانه بپوشانند؛ زیرا که به قول آیت‌الله مطهری «تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان‌که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود... این زن است که به‌حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد» (مطهری، ۱۳۸۰: ۸۸). شاید



وجه تقدم دستور «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» در آیه ۳۰ سوره نور نسبت به دستور «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» در آیه ۳۱ همان سوره همین وجه خودنمایی و جلوه‌گری زنان باشد. همین آیه نشان می‌دهد حکم شارع مقدس در خصوص حجاب علاوه بر بُعد فردی فی حد ذاته یک حکم اجتماعی نیز است. به همین منظور جهت بررسی میزان شناخت دختران از مسئله فقهی حجاب سوال شد «حکم فقهی اسلام درباره حجاب چیست؟» ۴/۶۲ درصد دختران ۱۵ تا ۲۴ ساله ایران به این سؤال پاسخ دادند که «حجاب جزء احکام اسلامی و واجب شرعی است». این پاسخ، نشانه می‌دهد حداقل حدود دوسوم دختران گروه سنی فوق حکم فقهی حجاب را کامل یاد گرفته‌اند و در ذهن آنان حکم فقهی حجاب نقش بسته است. در مقابل ۱/۲۶ درصد دختران حکم حجاب را واجب ندانسته و به‌عنوان یک امر ارشادی قلمداد می‌کنند. این نکته قابل ذکر است اکثر این دختران حکم فقهی حجاب را نمی‌دانند منتهی این برداشت برساخته ذهنی آنان با توجه به شرایط اجتماعی است که رسانه‌ها و افکار برخی اقشار خاص اجتماعی مبلغ و مؤید این نوع نظریه است. ۵/۱۱ درصد برای حکم حجاب تاریخ مصرف قائل شده‌اند. به طوری که از نظر ۷/۸ درصد وجوب حکم حجاب مختص صدر اسلام بوده و با توجه به شرایط امروز جامعه ایران، دیگر واجب نیست و ۸/۲ درصد برای وجوب حکم حجاب غیردائمی و عدم همیشگی قائل شده‌اند (جدول).

این تفاوت حکم حجاب در بین دو دوره تحصیلی دختران متوسطه و کارشناسی کاملاً مشهود است. ۲/۶۶ درصد دختران قبل از ورود به دانشگاه، حجاب را جزء احکام اسلامی و واجب شرعی دانسته‌اند و در مقابل ۹/۵۸ درصد دختران دوره کارشناسی به این حکم حجاب قائل هستند. این تنزل ۳/۷ درصد فهم حکم فقهی حجاب با آزمون آماری کای دو با مقدار ۶۹/۱۰ در سطح ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید است (جدول).

جدول (۴): توزیع فراوانی و درصد فراوانی حکم فقهی حجاب دانش‌آموزان و دانشجویان برحسب دوره تحصیلی

دوره تحصیلی		متوسطه		دانشجو		کل
حکم فقهی حجاب	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
وجوب حکم حجاب همیشگی و دائمی نیست	10	1.7	24	3.9	34	2.8
وجوب حکم حجاب مختص صدر اسلام بوده و با توجه به شرایط امروز جامعه ایران، دیگر واجب نیست	51	8.8	53	8.6	104	8.7
حکم حجاب واجب نیست فقط به‌عنوان یک امر ارشادی توصیه شده است	136	23.4	177	28.6	313	26.1
حجاب جزء احکام اسلامی و واجب شرعی است	385	66.2	364	58.9	749	62.4
کل	582	100.0	618	100.0	1200	100.0
آماره‌ها	Chi-Square=10.69 df=3 sig=0.014 Cramer's V=0.094 sig=0.014					

## ۳. نگرش دختران به حجاب

در این بخش مقاله به ابعاد و سهم ابعاد «نگرش به حجاب» و «مقایسه بین نگرش‌های دختران دبیرستانی و کارشناسی» پرداخته می‌شود. متغیر «گرایش به حجاب» دارای سه بعد است. مقدار همبستگی ابعاد نگرش (متغیر وابسته) به حجاب به ترتیب بعد عاطفی (متغیر مستقل در حد متوسط،  $r=0/522$ )، بعد شناختی (متغیر مستقل در حد متوسط،  $r=0/428$ ) و بعد رفتاری متغیر مستقل در حد ضعیف،  $r=0/330$ ) در بین دختران دارای تحصیلات کارشناسی و دبیرستانی می‌باشد. بعد عاطفی نگرش دختران ۱/۲ برابر بعد شناختی آنان و ۱/۶ برابر بعد رفتاری آنان است. بالابودن بعد عاطفی نگرش به حجاب نسبت به بُعد شناختی و رفتاری در بین دختران کماکان نقش عاطفی حجاب بر سایر بخش‌های حجاب برتری دارد. بدین معنی بعد تأملی، فکری و شناختی حجاب در بین دختران کارشناسی و دبیرستانی ایران از جایگاه پایینی برخوردار است. این آماره نشان می‌دهد طی ۴۰ سال گذشته جمهوری اسلامی نتوانسته بعد تأملی نگرش به حجاب دختران افزایش دهند. تغییرات حجاب دختران بعد از ورود به دانشگاه به خاطر همین برجسته بودن بعد عاطفی حجاب است.

میزان همبستگی آیتم‌های «احترام بیشتری حجاب در جامعه»، «حجاب موجب عفت و پاک‌دامنی» و «حجاب موجب افزایش معنویت» به ترتیب  $0/42$ ،  $0/41$  و  $0/40$  (جملگی در حد متوسط) با متغیر مکنون «بعد عاطفی» می‌باشد. این آماره‌ها نشان می‌دهد نقش آنان در شکل‌گیری متغیر مکنون «بعد عاطفی» نگرش دختران به حجاب تقریباً برابر است. از لحاظ عاطفی نگاه دختران به جایگاه «احترام به حجاب در جامعه» نسبت به نقش و کارکرد ایجاد «عفت و پاک‌دامنی حجاب در جامعه» و نقش و کارکرد افزایش «معنویت در جامعه» بالاتر بوده است.

میزان همبستگی آیتم‌های «حجاب موجب کاهش مزاحمت‌های خیابانی»، «حجاب موجب تحکیم خانواده» و «رعایت کمتر حجاب توسط تحصیل‌کرده‌ها» به ترتیب  $0/52$ ،  $0/48$  و  $0/44$  (جملگی در حد متوسط) با متغیر مکنون «بعد شناختی حجاب» می‌باشد. همبستگی‌های فوق نشان می‌دهد نقش و کارکرد صیانت از مزاحمت‌های خیابانی حجاب در مرتبه اول قرار دارد.

میزان همبستگی آیتم‌های «حجاب موجب افزایش شانس ازدواج»، «حجاب مانع شیک‌پوشی» و «دست‌وپا گیر بودن حجاب در فعالیت‌ها» به ترتیب  $0/56$ ،  $0/51$  و  $0/04$  (جملگی در حد متوسط) با متغیر مکنون «بعد رفتاری حجاب» می‌باشد. همبستگی‌های فوق نشان می‌دهد از نظر دختران کماکان نقش و کارکرد حجاب به‌عنوان عامل افزایش شانس ازدواج دختران در مرتبه اول قرار دارد. بدین معنی است ته‌نشست‌های حجاب در ذهن پسران جامعه ایران کماکان حضور دارند و در انتخاب همسر ظهور پیدا می‌کنند و تمایل آنان را به سمت دختران باحجاب افزایش می‌دهد.

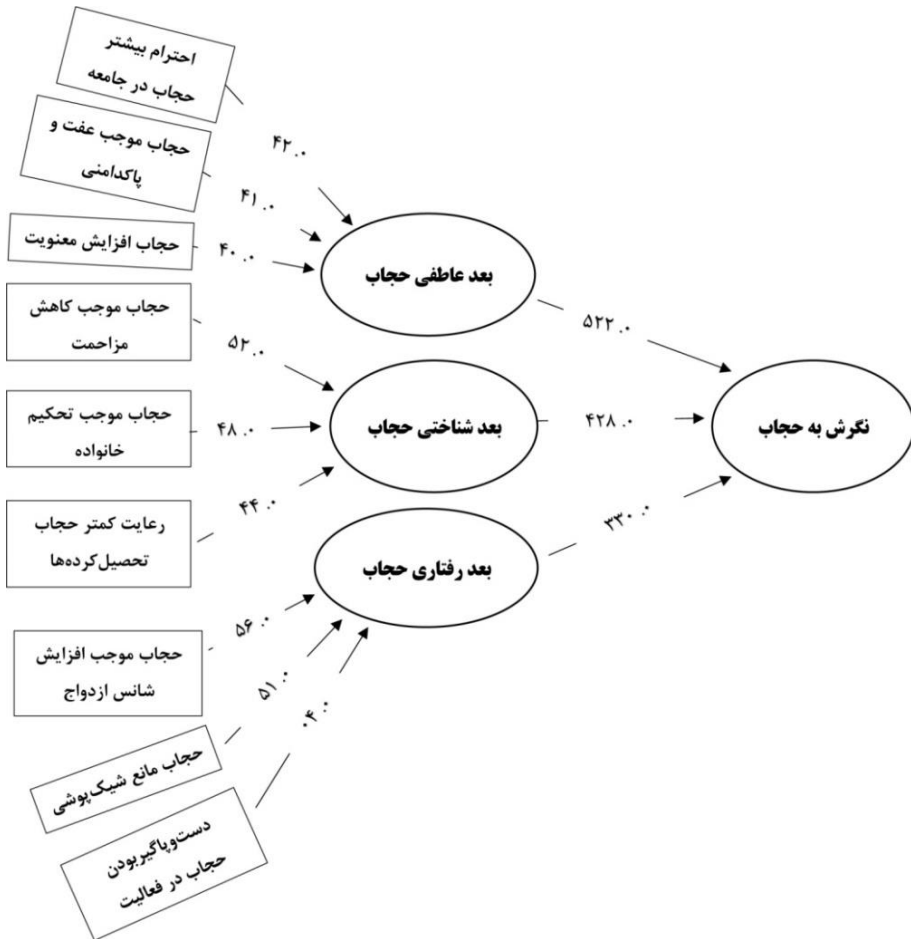
ضرایب همبستگی‌های بالا نشان می‌دهد ته‌نشست ارزش‌های حجاب، عفاف، اخلاق و رفتارهای اسلامی در بین دختران ایران اسلامی برای سلامت فردی و اجتماعی دختران ضرورت دارد. زحمت





حجاب، یک نوع حق بیمه‌ای است که زنان باحجاب برای تأمین سلامت جامعه می‌پردازند؛ زیرا که حجاب، به‌عنوان سپر جریان یافتن هوای نفس و نگاه‌های آلوده و فسادآمیز به حریم پاک زنان می‌شود. منتهی این نقش حجاب در بین دختران رو به کاهش و افول است. جایگاه و نوع آفرینش زن این را می‌طلبد که این وجود و گوهر هستی آفرینش، در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش‌های والای انسانی آن محفوظ بماند. خداوند طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و طبیعت زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن آفریده است، زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۷).

انگاره (۱): توزیع سهم ابعاد نگرش به حجاب دختران و متغیرهای اندازه‌گیری در ابعاد آن (دختران کارشناسی و دبیرستان)



## نتیجه گیری

یکی از مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی ایران حجاب دختران به عنوان یک امر شرعی است. ۴/۶۲ درصد دختران ۱۵ تا ۲۴ ساله ایران مسئله حجاب را جزء احکام اسلامی و واجب شرعی دانسته‌اند. این مقاله با استفاده از روش پیمایش مورد کنکاش قرار گرفته است. نمونه کشوری این مقاله و پژوهش با استفاده از روش کوکران و با روش نمونه‌گیری طبقه و با رعایت سایر چارچوب‌های نمونه‌گیری ۱۲۰۰ نفر در کل کشور متناسب با جمعیت هر استان جهت بررسی مسئله حجاب جامعه ایران انتخاب شد. جامعه انسانی از سه عنصر «انسان (زن و مرد)»، «ساختار جامعه» و «روابط بین این دو» تشکیل شده است. در تکوین انسان در بین روابط انسانی دو نوع ارتباط «مرد با مرد» و «زن با زن» از قوانین ساده‌تری برخوردار هستند؛ زیرا آسیب‌پذیری کمتری بین دو جنس موافق وجود دارد. این قوانین در ارتباط دو جنس مخالف پیچیده‌تر می‌شود زیرا که آسیب‌پذیری در این نوع روابط بیشتر است. در ارتباط نوع سوم (ارتباط دو جنس مخالف) بر اساس طبیعت و عرف جامعه، زنان بیشتر از مردان آسیب می‌بینند. در این نوع ارتباط حجاب به عنوان یک سپر برای کاهش آسیب‌پذیری زنان کارکرد دارد و از حجاب می‌توان تضمین‌کننده سلامت جسمی و روحی زنان و سلامت جامعه یاد کرد. بنابراین زنان برای ایجاد آرامش روحی و روانی زن و جامعه باید از یکسری قوانین جامع تبعیت کنند. قوانین روابط دو جنس مخالف بر اساس کلام وحی، دستورات پیامبران و امامان در کلمه حجاب خلاصه شده است. با این توصیف مدارج کمال و مراتب عالی انسانیت زن در مفهوم حجاب نهفته است. دو عنصر عقل و حیا از عناصر طبیعی بشر در ذات و پنهانی اوست. تجلی عقل انسان عاقل، در رفتار و کردار و تجلی حجاب در نوع پوشش ایشان نمایان می‌شود. بهترین زمان بارگذاری مفهوم حجاب دوره دبیرستان و دانشگاه است. در این مقاله نگاه و نگرش دختران این دو دوره درباره حجاب مورد کنکاش قرار گرفته است. همبستگی ابعاد نگرش حجاب با خود حجاب نشان می‌دهد که بعد عاطفی نگرش با  $(r = 0/522)$ ، بیش از بعد شناختی  $(r = 0/428)$  و بعد رفتاری  $(r = 0/330)$  با نگرش دختران به حجاب رابطه دارد. همین مسئله در بین دختران دبیرستانی و کارشناسی حدود یک‌صدم تفاوت دارند. بدین معنی دختران کارشناسی بیش از دختران دبیرستانی به بعد عاطفی توجه دارند. در مجموع هم دختران به بعد عاطفی حجاب بیش از سایر ابعاد تأکید دارند. میزان همبستگی سه آیتم و فاکتور سنجش بعد عاطفی نگرش با خود تقریباً حدود  $(r = 0.41)$  همبستگی دارند. (توضیحات بیشتر در جدول ۵ آمده است)



کاوشی بر مقایسه نگرش به حجاب دختران دوره متوسطه و...

جدول (۵): میزان همبستگی مؤلفه‌های ابعاد نگرش با خود ابعاد نگرش و میزان همبستگی ابعاد نگرش با میزان نگرش

نگرش	میزان و ابعاد نگرش با خود نگرش			ابعاد نگرش	میزان و تفاضل آیتم‌های نگرش با ابعاد نگرش			آیتم‌های ابعاد نگرش
	تفاضل	دختران دانشگاه	دختران متوسطه		تفاضل	دختران دانشگاه	دختران متوسطه	
میزان نگرش	+۰,۰۱	۰,۵۳	۰,۵۲	عاطفی	-۰,۰۱	۰,۴۱	۰,۴۲	احترام بیشتر حجاب در جامعه
					۰	۰,۴۱	۰,۴۱	حجاب موجب عفت و پاک‌دامنی
					-۰,۰۱	۰,۳۹	۰,۴۰	حجاب افزایش معنویت
	+۰,۰۱	۰,۴۲	۰,۴۱	شناختی	+۰,۰۱	۰,۵۳	۰,۵۲	حجاب موجب کاهش مزاحمت
					-۰,۰۷	۰,۴۱	۰,۴۸	حجاب موجب تحکیم خانواده
					+۰,۰۴	۰,۴۸	۰,۴۴	کمتر رعایت کردن حجاب از سوی تحصیل کرده‌ها
	۰	۰,۳۳	۰,۳۳	رفتاری	-۰,۰۷	۰,۶۰	۰,۵۳	حجاب موجب افزایش شانس ازدواج
					-۰,۱۲	۰,۴۴	۰,۵۶	حجاب مانع شیک‌پوشی
					۰	۰,۰۴	۰,۰۴	دست‌وپاگیر بودن حجاب در فعالیت‌ها



## منابع

۱. اسدی، مریم، مشعل‌پور، مرضیه، عبادی، زهرا، موسوی، سارا و زربخش، محمد (۱۳۹۷ش)، «بررسی رابطه ابعاد عزت‌نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور اهواز»، دوفصل‌نامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۱۵۱-۱۴۱.
۲. اسماعیلی، غلامرضا (۱۳۸۴ش)، «جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۵، صص ۱۰۳-۸۲.
۳. دهقان‌پور، علیرضا، اوشلی، لیلیا، (۱۳۹۹ش)، «حکمت حجاب در اسلام»، فصلنامه مطالعات قران و حدیث سفینه، شماره ۶۹، صص ۱۶۸-۱۵۴.
۴. شرف‌الدین، سید حسین، (۱۳۸۷ش)، ریشه‌یابی جامعه‌شناختی بی‌حجابی، حجاب مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. صدیق‌اورعی، غلامرضا، غنی‌زاده، مصطفی، صداقت، هانیه، کابلی عاطفه (۱۳۹۷ش)، «نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب»، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۴۴.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۶ش)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۷. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، (بی‌تا)، فقه، علوم قرآنی و حدیث، <https://lib.eshia.ir>.
۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰ش)، مسئله حجاب، جلد ۱، آثار نشر شهید مطهری، <http://lib.eshia.ir/>.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸ش)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۱۰. معتمدی، عبدالله، (۱۳۹۷ش)، «تحلیل آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب دختران در مراحل مختلف تحول (از کودکی تا جوانی)»، دوفصل‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۹، صص ۱۲۴ - ۱۰۷.
۱۱. نعمتی‌فر، نصرت‌الله، صفورایی پاریزی، محمدمهدی، (۱۳۹۸ش)، «بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام)»، فصل‌نامه دین و ارتباطات، شماره ۵۵.
12. Shaffer, David R., Kipp, Katherine (2013), *Developmental Psychology, Childhood and Adolescence* (9<sup>th</sup> edition), Belmont: Cengage Learning.